

انجمن حجتیه و اسلام مرفهین بی درد

یکی از نکات بسیار مهمی که امام(ره) عملاً به ما آموخت این بود که اسلام را به انحاء مختلف می توان تفسیر نمود و برخی از این اشکال از بسیاری از مصادیق کفر هم بدتر است. اسلام آمریکایی، اسلام عربستانی، اسلام وهابیت و هزاران اسلام دیگر اسلامهایی نیستند که پیامبر عظیم الشان ما برای ما ارمغان آورده است. اینها سوءاستفاده هایی است که از عنوان اسلام به عمل آمده است. یکی از اسلامهایی که بشدت امام(ره) از آن منزجر بود و معتقد بود که مروجین این نوع اسلام ضربه های بسیار طاقت فرسایی بر پیکر اسلام از این طریق وارد ساخته اند، اسلام مرفهین بی درد بود. اسلامی که با دنیاطلبی، رفاه طلبی و عافیت طلبی کاملاً سازگار است.

کلاً در جوامع دینی افراد مذهبی فراوانی را می بینیم که پیرو یک تفکر دینی هستند که با دنیای آنان هیچگونه منافات و تضادی نداشته باشد. و اصولاً در مباحث روانشناسی دین و جامعه شناسی دین یکی از موضوعات بسیار مهمی که محور مباحث اندیشمندان این رشته ها است، اینست که آیا دین انسانها، زندگی و دنیای انسانها را می سازد یا زندگی و دنیای انسانها، دین آنان را رقم می زند. شاید بتوانیم ادعا کنیم که اکثریت اندیشمندان این دو رشته مدعی هستند که نظریه دوم صحیح تر است. یعنی در اکثر جوامع و در میان اکثر مردمان، این دین آنهاست که تابع زندگی و دنیای آنهاست. اندیشمندان این دو رشته معتقدند اکثر انسانها بدنبال دین می روند، بدنبال نوع تفکر و اعتقادات مذهبی خاصی می روند که تأمین کننده و توجیه گر این نوع زندگی خاصی که آنها بدنبال آن هستند، باشد. و برخی از آنها وقتی از یافتن چنین دینی ناامید می شوند، کلاً به الحاد و بی دینی روی می آورند. و بقیه که دیندار مانده اند مسلم این است که به قرائتی از یک دین دست یافته اند که کلاً با دنیا و زندگی مطلوب آنها سازگاری دارد. این مسائل که ذکر شد البته در جوامع مختلف دینی شیوع دارد، منجمله در جوامع اسلامی. لذا می بینیم همه مسلمان هستیم اما عجیب در نگرشهای مختلف مذهبی باهم تفاوت داریم. بویژه در نگاه به مسائل اقتصادی و اجتماعی. یک دسته بر اساس اعتقادات مذهبی خود معتقد می شوند که هیچ کاخی نیست که در کنار آن کوخی تشکیل نشده باشد و عده ای دیگر که خود از نظر مالی متمول هستند معتقدند که خیر، انسان می تواند ثروتمندترین افراد کره زمین هم باشد و از طرفی خالص ترین دیندار و مذهبی هم باشد و مثالهای فراوانی از این قبیل بسیار قابل ذکر است که به همین مورد خلاصه بسنده می کنیم. در هر حال نگرشهای مختلفی نسبت به دینداری و اسلام وجود دارد و انجمن حجتیه را اگر بخواهیم در یکی از این طبقه بندیها قرار دهیم باید بگوییم اکثریت قریب به اتفاق نیروهای اصلی انجمن به نوعی اسلام مرفهین عافیت طلب معتقد بودند. اسلامی که با بیشترین برخورداری از مواهب زندگی قابل جمع باشد. اسلامی که با کمترین مرارت و رنج در راه عقیده و عمل بسازد. اسلامی که داشتن کاخ های وسیع و فراخ، زندگی های اشرافی و متمولانه را کاملاً توجیه کند. اسلامی که در آن از سادگی و رنج، اثر و نشانی مشاهده نمی شود. اسلامی که در آن عافیت و سلامت شخص مسلمان در هر شرایطی پیشاپیش تضمین و ضمانت شده است. اسلامی که مبارزات و جهادش از نوعی است که نه سیخ می سوزد و نه کباب. اسلامی که یک عمر دراز دنیوی و یک عمر تکرده بزرگ دنیایی و از آن سوی دیگر یک عمر بینهایت اخروی و یک عمر تکرده بزرگتر قیامتی را با یکدیگر، و در کنار هم برای بشر تضمین می کند. لذاست که می بینیم هواداران جدی انجمن اکثریت قریب به اتفاق آنان، هم بدنبال تأمین بهترین موقعیتهای دنیوی بودند و هم از دیگر سو با شرکت در محافل دعای ندبه و غیره و نیز تشکیل چنین جلساتی در منازل کاخ مانند خود سعی در ارضاء روحیه معنوی و نیز اکتساب ثواب اخروی بودند. مبارزات و جهاد آنان نیز از نوعی بود که کمترین مرارتها و خسارتهای جانی و مالی را برای آنان در پی داشته باشد. این نوع اسلام کجا و اسلامی که امام راحل به ما معرفی کرد کجا؟ امام(ره) به ما اسلامی را معرفی کرد که برای آن باید مرارتها کشید، جانبازی نمود، از دنیای خود گذشت، به زندگی ساده قناعت نمود تا به گوهر ایمان دست یافت و خود ایشان نمونه عملی و اعلاای این نوع اسلام بودند. این اسلام با اسلام آقایانی که یک عمر را در ناز و نعمت به سر می بردند، بزرگترین سختی و مرارتی که تحمل می کنند تکان دادن لبهای مبارک برای ایراد سخنرانی مقدس مأبانه است و دنیایشان پشت قباله آخرشان است، بسیار فاصله دارد. اسلامی که حتی با رابطه با ساواک و مدح شاه گفتن قابل جمع شدن است. اسلامی که عافیت و سلامت را شرط اول دینداری می داند. اسلامی که با هر نوع خون و خونریزی مخالفت دارد و خلاصه اسلامی که کمترین مزاحمتی برای دنیای ما فراهم نمی کند.

پرواضح است که این اسلام به مذاق بسیاری از متدینان خوش می آید و کم نیستند کسانی که دوست دارند در ناز و نعمت بسر ببرند، هم در خانه های آنچنانی به رفاه و آسایش مشغول باشند و هم از طرفی با قطره اشکی در دعای ندبه تمامی احساسات مذهبی خود را ارضاء و عافیت و سلامت و دینداری را یکجا به آغوش کشند. هم وجدان آسوده داشته باشند و هم دینداری آسوده و هم دنیای تأمین و مرفه. و انجمن این موقعیت را برای اعضای خود به خوبی فراهم می آورد و القاء گر، تنوریزه کننده و مروج چنین اسلامی بود. و مهم در همین نکته است. شاید بسیاری باشند که طرفدار این نوع اسلام و دینداری باشند، اما همه آنان قدرت تحمل و تنوریزه کردن این نوع دینداری را ندارند. اما علما، بزرگان و سران انجمن

قدرت تنویریه کردن این نوع دیدگاه و این نوع اسلام را داشتند و در واقع براحتی می توانستند نرم افزار آن نوع اسلامی که خیلی ها طرفدارش بودند را فراهم کنند.

یعنی آن دیدگاه را کاملاً در قالب یک مکتب فکری قابل دفاع ریختند و برای آن شواهد و قرائن دینی مناسب نیز فراهم می آوردند. لذا اگر با یکی از سران انجمن در باب این نوع اسلام گفتگو می شد، بلافاصله مجموعه مفصلی از احادیث و روایات و آیات را برای این نوع نگرش بر مخاطب عرضه می کردند. در واقع آنان بواسطه قدرت تحلیل عقلی خود بیشتر از یک فرد عوام و معمولی امکان ضربه زدن به اسلام حقیقی را داشتند و به همین دلیل هم فعالیت‌های آنان خطرناکتر بود. لیکن این امام بود که با یک عکس العمل بسیار شگفت انگیز تاریخی تمامی اوراق آن دفتر را بهم ریخت و برداشت های صحیح از اسلام محمدی صلی الله علیه و آله را بر همه ما عرضه داشت. امام نشان داد که بهشت را به بها دهند نه به بهانه. دینداری نیازمند تحمل سختی ها و مراقتها است. دین و دینداری هیچگاه در طول تاریخ خالی از مزاحم و دشمن نبوده و نیست. لذا شخص متدین برای حفظ دین و آثار و نتایج آن باید برای یکبار هم که شده، تصمیم خود را بگیرد. اگر می خواهد متناسب به دین و تدین بماند بایستی بار تکلیف و سختی را بر دوش کشد. حتی مواقعی پیش خواهد آمد که نیاز است انسان متدین جان خود را فدا سازد. امام در طی حوادث انقلاب و جنگ، حوادث 15 خرداد و پس از آن و حوادث پس از حمله دشمنان به انقلاب نظراً و عملاً این نوع نگاه دیندارانه را به ما کاملاً نمود. همان نگاهی که آقا امیر مومنان علیه السلام و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به پیروان دین خود نموده بودند. اما هیچ دوره ای خالی از متدینانی نیست که می خواهند دین را با دنیا جمع شده ببینند. درست است که هم در زمان آن بزرگواران و هم در زمان امام راحل بسیاری از جوانان و بزرگان این مرز و بوم این دیدگاه دیندارانه را پذیرفتند و با پذیرش انواع و اقسام خسارتهای مالی آب را به ریشه های دینداری رساندند، لیکن در مقابل بسیاری از آسوده دلان و رفاه طلبان نیز بودند که با توجیهات کژمدارانه دینی شانه از زیر بار مسئولیت دینی خالی کردند و امام و اسلام حقیقی را تنها گذاردند. سردمداران انجمن پیرو چنین دیدگاهی بودند، هرچند در بدنه انجمن بعضی از نیروهای پایین تر بتدریج از انجمن بریده و از سربازان مخلص انقلاب شدند.